

ادامه از صفحه ۶

نیمه پنهان یک انقلاب

گروهی از نمایندگان، حتی اعتقاد داشتند آن وزارت باید تشکل‌های سیاسی زنان را قدغن کند. در همین حال عده دیگری باور داشتند اصل اجتماع سیاسی زنان اشکالی ندارد، ولی چون امکان فاسدشدن برخی توسط این تشکل‌ها وجود دارد، پس باید از تأسیس و تداوم آن جلوگیری کرد. لازم به ذکر است در موافقت برخی از نمایندگان همچون وکیل‌الرعیای -نماینده همدان- با به‌رسمیت‌شناخته‌شدن تشکل‌های زنان نیز اما و اگرهایی بود. گفته وکیل‌الرعیای در دفاع از این مسئله مبنی بر اینکه «اگر در آن مفسده‌ای راجع به دین و دنیا بروز کرد، آن وقت باید در آن را کل گرفت»، به‌خوبی آن اما و اگرها را روشن می‌کند. سرانجام مجلس رأی به غیرقانونی‌بودن این تشکل‌ها داد، اما شور زنانه حاصل از مشروطه آن قدر قدرت گرفته بود که تصمیم مجلس تأثیر چندانی بر فعالیت تشکل‌های سیاسی زنان نداشته باشد و تاریخ معاصر ایران افزایش کمی و کیفی این تشکل‌ها را ثبت کند. از دیگر مطالبات سیاسی محقق‌شده زنان مشروطه‌خواه برخورداری از حق رأی بود. آنان باوجود نقش مؤثری که در انقلاب ایفا کردند براساس ماده چهار نظام‌نامه انتخابات با مجبورین، مغایر، متکدیان و مرتکبین قتل و سرقت هم‌ردیف قرار گرفته و از حق رأی محروم ماندند. علاوه بر این، طبق ماده هفت نظام‌نامه، حق انتخاب‌شدن نیز از آنان سلب شد. دو سال بعد هم که اصلاح نظام‌نامه در دستور کار نمایندگان مجلس دوم قرار گرفت، تغییری در نگاه مجلس به زنان ایجاد نشد. اگرچه مدرس از کمسیون مربوطه به دلیل آنکه زنان را به زمره دیوانگان و سفیهان قرار داده بود، انتقاد کرد اما به خاطر شمار بیشتر موافقان منع زنان از شرکت در انتخابات، کاری از پیش نرفت. حتی یکی از نشریات در اعتراض به این مسئله نوشت: «تا روزی که زنان از حق رأی و ورود به مجلس، حتی برای تماشاکردن محروم‌اند، امید به ترقی در این کشور نیست». با وجود همه تلاش‌هایی که زنان برای برپایی مشروطه کرده بودند، هیچ‌یک از دو خواسته سیاسی آنها مورد توجه قرار نگرفت اما باز هم زنان در بزنگاهی که روسیه و انگلیس جنوب کشور را مورد تجاوز قرار داده بودند، این بی‌مهری‌ها را فراموش کرده و در صحنه ماندند. آنها با شرکت در راهپیمایی‌ها و حتی با جنگ علیه قوای انگلیسی جنوب، تلاش کردند از مرزهای کشور و ارزش‌های انقلابی خود پاسداری کنند. آنان در این راه، جان خود را به خطر انداختند و هنگامی که باید از زندگی آسوده‌تری که انقلاب مشروطه وعده آن را داده بود، بهره‌مند می‌شدند، با تحریم کالاهای خارجی، زندگی سخت‌تری را برای خود فراهم آوردند.

دستاوردهایی با رفاق

مخالفت‌های پس از مشروطه فقط در مقابل خواسته‌های سیاسی زنان نبود و در مسائل اجتماعی نیز تلاش‌هایی برای ممانعت از پیشرفت زنان صورت گرفت. مجلسی‌ها حتی با تأسیس مدارس زنانه نیز مخالف بودند اما جامعه زنان که توانسته بود به حقوق اساسی مانند حق رأی دست پیدا کند، در این زمینه کوتاه نیامد و بدون توجه به نظر آنها دست به‌کار شد. زنان تحت‌تأثیر کسانی که اعتقاد داشتند سوادآموزی به نفع منافع ملی است، این موضوع را در گروه مطالبات خود قرار داده بودند ولی مخالفت بخش اعظم افکار عمومی و مخالفان مشروطه، مانع بزرگی بر سر راه آنان بود. از این‌رو تلاش کردند با انتشار مقاله و کتاب، مخالفان را جذب و مانع مخالفت آنان شوند. دولت و مجلس هم به‌دلیل مخالفت عمومی، چندان رغبتی به حمایت از متقاضیان مدارس جدید نشان نمی‌دادند اما زنان بیش از آنکه منتظر دولت و مجلس بمانند، به شیوه‌های مختلف به تأسیس مدارس پرداختند. ناگفته نماند زنان آن عصر از گسترش فعالیت‌های مطبوعاتی خود نیز غافل نشدند. برپایی مشروطه در کشور سبب شد که برخی از خواسته‌های جامعه زنان محقق شود. اگرچه تحقق این خواسته‌ها به‌سادگی و در مسیری هموار نبود، اما اگر منصف باشیم و کمی ارفاق کنیم، می‌توان پذیرفت که بدون مشروطه تأسیس مدارس و روزنامه‌های زنانه مقدور نبود و در جریان این انقلاب بستر حضور اجتماعی و سیاسی زنان فراهم شده است. یکی دیگر از مسائل مربوط به زنان که در مجلس اول پیگیری شد و تقریباً به نتیجه رسید، همان مجاری دختران قوچان بود. نجم‌آبادی در کتاب «حکایت دختران قوچان» نوشته است این مذاکرات، مرتب در نشریاتی چون حبل‌المتین، مجلس، ندای وطن، تمدن، صبح صادق، صوراسرافیل، مساوات، وطن، الجمال، روح‌القدس و نشریات طنزی چون کشکول و آذربایجان گزارش می‌شده است و قرائت روزنامه‌ها در قهوه‌خانه‌ها و کنار خیابان‌ها و جلسات انجمن‌ها این موضوع را به بحث روز ملت بدل کرده بود. پیگیری وکلای مجلس به عزل آصف‌الدوله از حکومت خراسان و تشکیل کمیسیون رسیدگی به این ماجرا در وزارت عدلیه انجامید. این کمیسیون نیز بعد از دو هفته با تعیین مجازات خاطیان به کار خود پایان داد. نخستین گام‌ها برای استرداد اسرا نیز دو سال پس از به‌اسارت‌رفتن زنان باشاقانو برداشته شد، اما این نتیجه قدرت مجلس در پیگیری موضوع نبود و به‌دلیل حملات جدید ترکمان‌ها به نواحی استرآباد و شاهرود صورت گرفت. با همه این تفاسیر، باید انقلاب مشروطه و فرصتی که در جریان مبارزت انقلابی و پس از آن برای حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی فراهم شد را گامی نخست در طرح و شکل‌گیری مطالبات زنان ایرانی به حساب آورد. اکنون بعد از ۱۰۹ سال هنوز هم امیدواریم جامعه زنان مطالبات اصلی خود را به‌درستی شناسایی کند و برای تحقق آنها بکوشد.

موضوع نشست، «آیا مشروطه هنوز مسئله ماست؟» بود و طرح همین موضوع از سوی اتاق تاریخ مؤسسه «آپ‌آرتمان» و «سرخ و سیاه» دلیلی کافی برای پرشدن سالن مؤسسه زودتر از زمان سخنرانی. هیچ صندلی خالی‌ای در سالن وجود ندارد و صدای میهمان‌ها به‌سختی تا انتهای سالن می‌رسد. اولین سخنران نشست، منصوره اتحادیه، استاد بازنشسته تاریخ دانشگاه تهران، است که صحبت‌های خود را بعد از توضیح و پرسش‌های مجری برنامه شروع می‌کند. سؤال‌هایی چون: «ما از مشروطه چه می‌خواهیم؟»، «جنبش، نهضت یا انقلاب مشروطه چه نسبیتی با امروز ما دارد و انتقال مفهومی که از انقلاب مشروطه به نسل امروز باید بشود چیست؟»، «وقتی از مشروطه صحبت می‌کنیم از چه می‌گوییم؛ نهضت، قیام، انقلاب یا جنبش؟»، «این‌همه گفتن از مشروطه قرار است چه طرح فکری‌ای را در جامعه به‌وجود بیاورد؟»، «چه زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی‌ای در ایران منجر به مشروطه شد؟»، «آیا همه مردم درگیر انقلاب بودند یا مشروطه یک انقلاب شهری بود که فقط دغدغه منورالفکران و علما بود؟»، «آیا عدالت‌خانه‌ای که مردم دنبالش بودند همین مجلس شورای ملی است که به آن رسیدند و چرا مردم به‌دنبال عدالت‌خانه بودند؟» و «چقدر دموکراسی، حکومت قانون و تفکیک قوا برای مشروطه‌خواهان مهم بود؟» اتحادیه، با این مقدمه که «انقلاب اسلامی ادامه انقلاب مشروطه است»؛ از رابطه و تأثیر دوره‌های متعدد تاریخی با هم و بر هم می‌گوید و دو انقلاب را از تبار مشترک می‌داند. «از انقلاب مشروطه ۱۰۹ سال می‌گذرد و هنوز هم می‌توان درباره آن حرف جدیدی زد مثل فرانسوی‌ها که در دوستمین سال انقلابشان آن را دیگربار بنیان کردند. اما مشروطه به یک معنا انقلاب بود. جامعه ایران در این انقلاب تغییر کرد؛ اگرچه در مقاله‌ای خانم لمبتون معتقد است که مشروطه ایران، انقلاب نبود. چون همان طبقه قدرت و حکومت را ادامه دادند و از عین‌الدوله منفور و رجال سابق مثال می‌زند. بله اگر مشروطه را از این منظر نگاه کنیم، جامعه زیورو نشد. اما دستاوردهای انقلاب، چون مجلس شورای ملی، قانون اساسی، مطبوعاتی که جز، زندگی مردم شد، احزاب سیاسی، هرچند که نقش آن چنانی نداشتند، مدرنیزاسیون که در آن زمان دولت شد، مسئله زنان و... نشان می‌دهد که مشروطه انقلاب بود». در جواب اینکه «آیا مشروطه یک انقلاب گسترده مردمی بود یا انقلاب شهرنشین‌ها؟»، اتحادیه توضیح می‌دهد: «چند شهر بزرگ چون تبریز، اصفهان و تهران، درگیر انقلاب بودند. البته فارس هم در آن زمان شلوغ بود اما شلوفی فارس مربوط به مسائل حاکم ارب و مخالفان قوام بود که مشروطه‌خواه شده بودند. مشروطه ایران پدیده چند شهر مهم بود. مثلاً شهر کرمانشاه در مجلس دوم انقلابی است، اما ایالت کرمانشاه ایلات و عشایرنشین است و دعوایی به طول چندین قرن درباره آب، احشام و غیره باهم دارند که به مشروطه می‌کشند و من اسناد زیادی در این‌باره دارم. یا حاکم لرستان به برادرزاده‌اش در تهران می‌نویسد آقایان تهرانی ببیند که شرایط در لرستان چطور است؟ یعنی دعوای محلی و اختلافات قدیمی در این دوره بار دیگر سربرآورده است؛ ولی این اطلاعات در جایی منعکس نشده است. انقلاب مشروطه محدود به چند طبقه خاص بود. مردم آنچه می‌فهمیدند عدالت بود، یعنی تقاضای اولیه مردم عدالت است. چون در حکومت مستبد هرکس که قدرت دارد، مستبد است؛ حتی آشپز مستتب به این طبقه، مردم به شورای ملی برای عرایض و گرفتاری محلی رجوع می‌کردند به طوری‌که در جواب اینها تقی‌زاده می‌نویسد برای حل مشکلات اینچنینی باید به وزارت داخله رفت». اتحادیه سپس درباره بررسی نقش کشورهای خارجی گفت: «همیشه می‌گوییم روس‌ها و انگلیس‌ها به نهضت مشروطه ما صدمه زدند اما از نقش عثمانی‌ها غفلت می‌کنیم، در اینکه دو کشور روسیه و انگلیس حتی از محمدعلی‌شاه حمایت کردند و هرچه در توان داشتند علیه مشروطه به‌کار بردند؛ شکی نیست اما ترکیه عثمانی نیز نقش مهمی در این اتفاقات داشته که تاکنون هیچ کجا به آن پرداخته نشده است. حتی در کتابی که نویسنده آمریکایی در این‌باره نوشته و اظهار داشته که ایران دو سال قبل از عثمانی به مشروطه دست یافته بود، ولی هیچ سند و بررسی‌ای درباره نقش این کشور در وقایع مشروطه صورت نگرفته است. یا در دوره مجلس اول شورای ملی، وقتی آذربایجان شلوغ می‌شود، عثمانی است که کار را به جنگ می‌کشاند. برای همین دولت فرمانفرما را به آنجا می‌فرستد. چون فرمانفرما هم در آنجا نفوذ داشته و هم کشور عثمانی را می‌شناخت و البته پول و قشون هم در اختیار داشت. یا در مجلس سوم، که هم‌زمان با جنگ جهانی اول بود دموکرات‌ها تمایل به روس و انگلیس داشتند اما عده دیگر مشتاق همکاری با ایران و عثمانی بودند و به همین دلیل دولت را استیضاح می‌کنند؛ چون جلوی ترک‌ها را گرفته بود». در ادامه اتحادیه به نقش افراد و رجال سیاسی اشاره می‌کند که در تاریخ آنها را نمی‌شناسیم: «برای بررسی بهتر مشروطه باید همه رهبرها و همه رجال سیاسی آن دوره را در ظرف زمانی آن موقع مورد بررسی قرار داد. ما رجال سیاسی و سیاست‌مدارهای خود را نمی‌شناسیم. حتی متوجه نمی‌شویم وقتی کابینه‌ها در مجلس شورای ملی تغییر می‌کرد ۹۰ درصد افراد با کمی جابه‌جایی ثابت می‌مانند. باید کارهای پژوهشی جدید با نگاه و مسئله روز درباره مشروطه و پیچیدگی هایش صورت بگیرد. آن وقت روشن می‌شود که چرا مشروطه اتفاق افتاد».

مشروطه را از نو باید شناخت

سخنران بعدی حسین آبادیان، استاد تاریخ دانشگاه بین‌المللی قزوین است که ایستاده چون سخنران قبلی صحبت می‌کند. او در ابتدای صحبت خود مشروطه را به فیل داستان مولانا تشبیه می‌کند؛ تشبیهی که ۱۵

سال قبل در یکی از روزنامه‌ها منتشر شده است. آبادیان می‌گوید: «در بررسی متون مشروطه یک مورد نمی‌بینیم که روشنفکران و تاریخ‌نگاران ما نگاه مشترکی نسبت به مشروطه داشته باشند. اگر مجلس و پارلمان را در انگلیس آن زمان می‌بینیم، باید توجه کنیم مشروطیت در انگلیس سابقه‌ای صدساله دارد؛ درحالی‌که در ایران حتی معنی لفظی مشترکی از این اتفاق وجود نداشت. یکی می‌گفت مشروطه مصدر باب شرط است و دیگری از شرطی می‌گفت، یا عده‌ای می‌گفتند مشروطه یعنی سلطنت با شرط و شرط که حاکم را محدود می‌کند. البته مشروطه الزاماً نظام سلطنتی مشروطه نیست؛ جمهوری هم می‌تواند مشروطه باشد.

حکومت زمانی مشروطه می‌شود که مردم حقوق اجتماعی و شهروندی خود را بشناسند و بدانند باید چه چیزی را از حکومت بخواهند و چه چیزی را نخواهند و برعکس حکومت چه حقی بر شما دارد. اساساً حاکمیت یک روند دوسویه است. حاکمیت وظایفی در قبال مردم دارد و مردم نیز. از این حیث مشروطه در تاریخ معاصر ما نقطه عطفی به حساب می‌آید، چون تا قبل از آن هیچ‌کس از حقوق مردم و تکلیف آنها صحبتی نمی‌کرد. تا قبل از مشروطه حتی علما علیه حکومت چندان موضع نمی‌گرفتند و نهایتاً در مقابل مسائل حکومت می‌گفتند دعا کنید خدا حاکم جبار را به راه راست هدایت کند یا حاکمان را به روز قیامت واگذار می‌کردند. اما بعد از مشروطه، آخوندخراسانی می‌گوید ظالم را باید از حکومت به پایین بکشید. یعنی ۱۱۰ سال قبل، اولین بار یک مرجع تقلید می‌گوید در دوران غیبت، حکومت از آن جمهور ناس است. اما آیا استقرار مشروطیت در حکم جهاد در رکاب امام زمان(عج) است همان‌طور که مرحوم آخوندخراسانی می‌گوید؟ مشروطیت یک حکومت سکولار و دنیایی است که بر تفکیک قوا، احزاب سیاسی، مطبوعات به عنوان رکن چهارم دموکراسی مبتنی است و بر تفکیک قوا تکیه دارد. البته در مشروطیت ایران مشخص نبود مشروطه‌خواهان چه می‌خواهند. حتی یک رساله هم نمی‌بینید که از طرف روشنفکران نوشته‌شده باشد که مشروطه چیست؟ پارلمان و مجلس چیست؟ آیا مجلس و حزب همان است که ما داشتیم؟ ما در میان اعضای حزب دموکرات هم سوسیال‌دموکرات داشیم و هم منشویک و هم انقلابی. تقی‌زاده، رسول‌زاده، هاگوپیان و مخبرالسلطنه هدایت در آن حزب عضو بودند. اما آیا تعریف حزب سیاسی این است؟. آبادیان سپس به صحبت شیخ‌حسین یزدی در نقد دموکرات‌ها اشاره می‌کند که در جایی نوشته بود: «تصور خیلی‌ها از مشروطه این است که هر کس هر چه دلش خواست می‌تواند بگوید و آزاد است هر کاری بکند. درحالی‌که این اشتباه است درواقع زندگی کردن در یک حکومت مشروطه، سخت‌تر و محدودتر از یک حکومت دیکتاتوری و حتی آنارشیزست است، چراکه مشروطه بر حقوق شهروندی متکی است و حقوق شما به حقوق مدنی و اجتماعی جمع و دیگر افراد جامعه محدود می‌شود. آیا در مشروطه ما اخلاق و فرهنگ مدنی در جامعه وجود داشت؟ در دوره مشروطه هر کسی که می‌خواست با یکی تسویه‌حساب کند تفنگ برمی‌داشت و می‌رفت او را بکشد. مشیرالسلطنه را چگونه کشتند؟ اینکه او طرفدار محمدعلی شاه بود یک چیز است و اینکه او را در سر چهارراه مخبرالدوله بکشند مسئله دیگری است؛ خشونت‌ی که بعد از آن کسی جرئت نکند از خانه یا بیرون بگذارد». نسبت ما با جامعه بین‌الملل در دوره مشروطه دگرگون شد و مباحث جدیدی چون حقوق زنان در ایران مطرح شد؛ اما اینکه این حقوق چه بود مشخص نبود. آبادیان خطاب به حاضران خانم در نشست می‌پرسد: «شما بر چه اساسی می‌گویید که حقوق دارید؟» سپس خود در جواب توضیح می‌دهد: «اگر بر اساس حقوق موضوعه می‌گویید که دارای حقوق هستید، باید بگوییم که در مشروطیت عده مصوبات در مجلس اول و حتی دوم مبتنی بر احکام شرع بود. ماده سوم قانون مشروطه زنان را از انتخاب‌کردن کلیتاً محروم می‌داند و «ماده پنجم» اشخاصی که از انتخاب‌شدن محروم هستند اولاً طایفه انائیه...، رابعا و رشک‌سته به تقصیر، خامساً مرتکبین به قتل و سرقت و مقصرین و آنهایی که مجازات قانونی اسلامی دیده‌اند. اما موقع تصویب این قوانین در مجلس شورای ملی هیچ یک از نه حزب دموکرات، نه اتفاق و ترقی و نه هیچ یک از رجال سیاسی به این قوانین اعتراضی نکرد. چون در اینها تردیدی نداشتند. اما شاید بگوییم در آن دوره حتی در انگلستان هم زنان حق انتخاب و رأی نداشتند و در ۱۹۴۸ حق رأی به‌دست آوردند. باید در جواب این



منصوره اتحادیه و حسین آبادیان بررسی کردند

تاریک و روشن مشروطه ایرانی

لیلا ابراهیمیان

افراد بگوییم که در انگلستان زنان از آزادی‌های مدنی و اجتماعی برخوردار بودند اگرچه حق رأی نداشتند». آبادیان در ادامه بحث خود گفت: «مشروطه در ایران بر مبنای فرهنگ و عرفی اتفاق افتاد که خواست ایرانیان بود. اساساً مردم حرف واعظ محل را بهتر می‌فهمیدند تا رجل تحصیل‌کرده و سیاسی اما واعظ محل چه تلقی‌ای از مشروطه داشت؟ در آن خصوص می‌توان به مرحوم نائینی، که مهم‌ترین و مستدل‌ترین کتاب یعنی «تنبیه الامه و تنزیه المله» را نوشته نیز ایراد گرفت. درست است که نائینی مشروطه ایران را بر اساس فهم ما تئوریزه کرده اما آنچه او گفته مشروطه نبود. وقتی می‌گویند مردم در مقابل قانون برابرند، اما از منظر یک فقیه این برابری در کجاست؟ زن و مرد با هم برابرند؟ نسبت حقوق والدین و فرزندان چگونه است یا نسبت حقوق مسلمان با غیرمسلمان چیست؟ شاید از این گفته عده‌ای ناراحت شوند اما من معتقدم که حرف شیخ‌فضل‌الله نوری که می‌گوید بنای شرع بر اختلاف حقوق است درست است. این آزادی اصلاً به معنای لیبرتی نیست. مرحوم آخوندزاده معتقد بود انسان می‌تواند در تخیلات خود آزاد باشد اما از نظر عالم دیگر مثل محلاتی، نائینی و آخوند خراسانی آیا انسان در تخیلات آزاد است؟ اساساً از نظر مجتهد خط قرمز وجود دارد و تا جایی می‌توانیم بنویسیم، آزادانه صحبت کنیم و تخیل کنیم که شرع مشخص کرده، مؤسسه با حضور استادان تاریخ تکرار شود.

انگلیس یا انقلاب فرانسه نبود. در انقلاب مشروطه برخی خواسته‌ها مانند تأسیس عدالت‌خانه مشخص و ملموس بود. تأسیس عدالت‌خانه هم کاملاً منطبق با قوانین شرع و دین صورت می‌گرفت و به قولی منظور این بود هرکس منکر شرعی مرتکب شد (چه شاه، چه رعیت) حکم شرعی باید در مورد او اجرا شود. پس بنیاد مشروطه ایران مبتنی بر شرع بود. تمام اینها یعنی اینکه پایه و اساس مشروطیت ایران با آنچه در غرب اتفاق افتاده بود؛ زمین تا آسمان متفاوت است». آبادیان معتقد است که تفسیر تحولات ایران براساس دیدگاه‌ها و نظریات میشل فوکو، دریدا، دلوز و غیره نسبیتی با جامعه ایران ندارد. «برخی علما مانند میرزا یوسف‌خان مستشارالدوله با استناد به برخی آیات قرآن می‌گفتند که آزادی به معنای لیبرتی در قرآن است. بله این آیات قرآن آزادی را برای مردم معنی می‌کند اما بازم چارچوب دارد و اشخاصی را محق استفاده از این آزادی می‌داند که به یک معبود و دین الهی عقیده داشته باشند که اینها با معنای غربی آزادی یعنی لیبرتی جور در نمی‌آید». آبادیان در بخش پایانی سخنرانی خود، نقطه ضعف تاریخ‌خوانی ایرانیان را نبود تداوم و تحول عنوان کرد و گفت: «در غرب یک چارچوب و پایه و اساسی وجود دارد که هیچ‌گاه آن را از بین نمی‌برند و در شرایط اجتماعی مختلف چارچوب‌ها را با وضعیت موجود منطبق می‌کنند اما جامعه ما به قول همایون کاتوزیان یک جامعه کلنگی است که هر رجالی می‌آمد دست‌اندرکاران قبل از خود را جاسوس، خائن و وطن‌فروش معرفی می‌کرد و مجدّد روز از نو و روزی از نو، همیشه به تاریخ ما عده‌ای متهم به خیانت شده‌اند و عده‌ای وطن‌پرست معرفی شده‌اند. درحالی‌که باید رجال سیاسی را در ظرف زمانی-مکانی و شرایط دوره قضاوت کرد و هم اشتباهات آنها را دید و هم دستاوردها و نکات مثبتی که داشتند. باید اشتباه و کارهای مثبت قوام‌السلطنه، وثوق‌الدوله یا حیدرخان عمواغلی را با همدیگر در مورد مشروطه دید. باید به تاریخ کشور احترام گذاشت درحالی‌که ما الان یک خیابان یا کوچه به اسم دکتر مصدق نداریم. در مشروطه هم خواسته‌ها از این جریان مشخص نبود. باید خواسته ملموس و مشخصی داشته باشیم. وقتی می‌گوییم مشروطه باعث شد ما حزب داشته باشیم اشتباه است. حزب فقط جمع‌شدن چهار وزیر و وکیل کنار هم نیست. مسائل تاریخی برای هر نسل باید به‌روزرسانی شود و با توجه به تجربیات و آگاهی و جهان‌بینی متحول‌شده آنها برایشان بازگو شود».

بخش پایانی نشست بررسی تاریخ مشروطه با پرسش و پاسخ حاضران تا ساعت ۷ شب ادامه یافت؛ تاریخ‌خوانی‌ای که قرار است بعد از این در گروه تاریخ مؤسسه با حضور استادان تاریخ تکرار شود.



تجربه لحظات گرم و صمیمی

در شعبه نیاوران

نیاوران: **خیابان دکتر باهنر (نیاوران)**

قبل از دوراهی درازشاپ

تلفن : ۰۲۲۷۷۴۴۰-۰۲۲۷۷۴۴۰

www.leon1960.com

منهای پایتخت

تأکید معاون استاندار تهران بر جلوگیری از تسویه حساب‌های شخصی در انتخابات

● **ایرنا:** سیدشهاب‌الدین جاوشی، معاون سیاسی، اجتماعی استاندار تهران، با اشاره به انتخابات پیش‌روی مجلس شورای اسلامی گفت: برای رعایت کامل حقوق و آزادی‌های اساسی جامعه اجازه نمی‌دهیم در آستانه انتخابات تسویه‌حساب‌های شخصی، گروهی و سیاسی اعتماد مردم به نظام را با دروغ‌پردازی و تهمت خدشه‌دار کند. او با تأکید بر اینکه اعضای ستاد انتخابات استان تهران مکلف به رعایت خویشتن‌داری در موضوع‌گیری‌ها و عملکرد خویش هستند، گفت: سخنان و رفتار اعضای ستاد انتخابات به‌هیچ‌عنوان نباید جانبداری از یک جریان خاص سیاسی تلقی شود. جاوشی تأکید کرد: مردم براساس رفتار و عملکرد کاندیداها به آنان رأی می‌دهند و کسی نمی‌تواند پیش‌بینی کند چه کسانی در دهمین دوره مجلس شورای اسلامی انتخاب می‌شود.

ضرورت مشارکت مردم در ایجاد امنیت پایدار در مرزها

● **فارس- سراوان:** حجت‌الاسلام ابراهیم حمیدی، رئیس کل دادگستری سیستان‌و بلوچستان، با بیان اینکه آمار بالای کشفیات مواد مخدر سراوان نشان از غم‌راسخ مسئولان امنیتی دارد، گفت: مردم در ایجاد امنیت پایدار در مرزهای کشور مشارکت کنند. او یکی از سرمایه‌ها و افتخارات مهم این استان را حضور مسئولان، معتمدان، علما و ریش‌سفیدان باصیرت و آگاه عنوان کرد.

نشست سفیر اسپانیا با نمایندگان بخش خصوصی لرستان

● **تسنیم- خرم‌آباد:** پدرو وینا، سفیر اسپانیا، گفت: برای پیشرفت یک کشور نیاز به احداث هتل‌های زنجیره‌ای بوده و این موضوع قرار است با ورود وزرای اسپانیا به ایران مطرح شود. او در نشست با نمایندگان بخش خصوصی استان لرستان که در سالن جلسات اتاق خرم‌آباد برگزار، با اشاره به اینکه تصمیم بر این است تا روابط ایران و اسپانیا آسان‌تر شود، بیان کرد: اوایل سپتامبر وزیر امور خارجه، وزیر صنعت و توریسم و وزیر راه و ترابری اسپانیا به ایران سفر می‌کنند که این امر به تسریع روابط بین دو کشور کمک می‌کند.

سیاست ـ تاریخ